

## در معرفت حقوق والدین و اولاد معاملات با زوجات

دکتر محمد ساجرملک

صدر شعبه فارسی،

دانشکده راجوری

بدانکه امهات حقوق حقوق امهاتست و آبای آداب آباء ست پیغمبر  
علیه السلام حقوق والدین را آفرین اشراک بالله فقالوا ثم ای فقال عقوق  
الوالدین ۱ وحق عزوجل رعایت حقوق ابوبن را متصل حق خویش ذکر کرده  
فرزند باید که خدمت و اطاعت مادر و پدر را لازم دانند مگر آنکه از اطاعت  
ایشان چنانچه امر در معصیت بمتابعت امر خدای تعالی بازماند بسیار خدمت  
ایشان را اندک پندارد اگرچه در خدمت ایشان مجتد باشد مقصرا انگارد-  
حکایت آورده آنکه عورتی پیر پدر را برکتف گرفته پیش امیرالمومنین عمر بن  
خطاب رضی الله عنه آورد فرمود که این پیر کیست؟ گفت پدر منست آن پیرزن  
بر حکم وَمَنْ تُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۲ در ازل عمر رسیده و کار او بطبیعت  
کودکی کشیده آن عورت او را چون کودکان شیر میخوراند و برکتف کرده  
میگرداند صحابه رضی الله عنهم تعجب کردند و همه گفتند که این عورت حق  
پدر بجا آورد و آنچه پدر از تربیت در کودکی در حق این عورت کرده بود این عورت  
در حق او کرد او گفت آنچه او کرده بود از من کی شود و مرا هرگز ممکن نبود چه  
من چشم بر موت اومی دارم و او تربیت من مینمود خدمت من همچو تربیت او  
کی بود چون این سخن را از وی شنیدند همه پسندیدند- فضل بن یحیی در  
محبس برای یحیی آب گرم کردی و برای وضو پیش یحیی آوردی شبی نگهبان زندان  
از آتش کردن منع کرد فضل آفتابه بر شعاع چراغ گرفته تا صبح ایستاده ماند  
بآتش چراغ آب گرم کرده برای یحیی آورد بدین طریق آب گرم رسانید و یحیی را  
وضو کنانید نگهبان زندان این معنی را دریافت شبی دی چراغ را باز داشت  
فضل آفتابه زیر بغل کرد تا بتف اندام آب گرم شود از جهت آنکه آب گرم بر  
حسب عادت نداشت خود را گناهگار پنداشت- در مشارق الانوار آورده سه نفر  
از جهت باران در غاری در آمدند ناگاه سنگی غلطیده دهن غار را بیست بعضی

مربعضی را گفتند اعمال صالحه خویش که کرده اید یاد کنید و آنرا شفیع آرید شاید خدای تعالی کرم کند ازین تنگی کشادگی بخشد یکی از ایشان گفت ای بار خدای مرا مادر و پدر پیر بودند وزنی داشتم و فرزندان صغیر عجز مینمودند گوسفندان از جهت ایشان میچرانیدم چون شبانگاه می شدی دوشیدم و در دادن شیر بمادر و پدر پیش از فرزندان خویش آغاز میکردم روزی چراگاه دور بود و من بے گاه باز گشتم مادر و پدر را در خواب یافتم بر عادت شیر دوشیدم نزدیک ایشان ایستاده شدم بیدار کردن ایشان خوش نیامد شیر دادن کودکان پیش از ایشان ادب ننمود بچکان فریاد بر آوردند و نزدیک پایهای من می غلطیدند همبرین صفت بودم تا صبح طالع شد، ای بار خدای اگر میدانی که این کار از جهت رضای تو کرده ام کشادگی بده که ما آسمانرا به بینم خدای تبارک و تعالی فرجه داد که بدان نظر بر آسمان افتاد دوم باز ماند بخوف خدایتعالی از زنای که بران قادر شده بود یاد کرد و آنرا شفیع آورد فرجه دیگر پیدا آمد سیوم اجیری گرفته بود بمقداری از شالی اجیر مذکور از عمل فارغ شد رفت اجرا و بدو ماند آن شالی را برای او کاشت تا آنکه از حاصل آن گاوی خرید چون اجیر رسید گفت از خدای بترس و پرسخن مکن گفت من سخن نمی کنم آن گاو از حاصل اجرتست اجیر شاد شد و گاورا ببرد دران وقت این عمل را یاد کرد و شفیع آورد ببرکت آن حق تعالی ان سنگ را از دهن غار بکلی دور کرد هر سه نفر خلاصی یافتند خدمت مادر و پدر ای چنین اثر دارد که مادر و پدر سرو در حجاب موت دارند و نقاب مرگ بر روی خویش فرود آرند آنچه در حیات مرضی ایشان بود همان کند او قدمی بر خلاف رضای ایشان نپسندد که آن نیز از باب عقوبت و از اسباب هتک حقوق است چند ایشان در حکم احبا اند در ادراک اسباب رضا و سخت بالا ترا ما اند چنانچه در حال حیوة ایشان احتراز داشت از عقوبت بعد از وفات ایشان از مثل آن کار احتراز کند و ایشانرا دعا کند و آمرزش خواهد و بروح ایشان صدقه دهد و قرآن خواند و زیارت رود هر چه بروح ایشان دهد ثواب بروح ایشان برسد سبب خوشنودی و خوشی روح ایشان گردد و او نیز همان قدر ثواب بود ذره از اجرا و کم نشود و با دوستان و قرابتان ایشان پیوند

وغير از دوستان و قرابتان ایشان نه پسندند در حدیث است ان ابرالبران یصل  
الزجل اهل و ذابیه ۳ نیک ترین نیکیها آنست که مرد با اهل دوستی پدر  
خویش پیوند و بدانکه حقوق مادر و پدر بسیار است - و جزئیات آن بی شمار از  
هر چه بگویند افزونست و از حد و عدو و احصار بیرون حق سبحانه و تعالی همه را  
خدمت مادر و پدر نصیب کند و مادر و پدر همه را از ایشان خوشنود گرداند آمین  
یارب العالمین-

### در بیان معاملات با زوجات :

بدان رحمک الله تعالی که صلهای رحم یعنی پیوستن با قرابتان بهدایا و عطایا  
و ملاقات و مراعات و سلام و طعام و انجام حاجات و ایصال صلوات و نفقات  
سبب ازدیاد عمر است و موجب فراخی رزق - در مشارق الانوار آورده است من  
شائ ان یبسط له فی رزقه وینسائی فی اثره فلیصل رحمه ۴ هر که خواهد که  
رزق او فراخ بود و عمر او دراز گردد گو صله رحم را بجا آرد و مر باید که باقارب  
پیوندد و از آزار ایشان پرهیزد در قران مجید و فرقان حمید ذوی القربی را متصل  
بوالدین ذکر کرده قال الله تعالی و بالوالدین احسانا و بذی القربی هم اقارب  
هر چند که همچو عقارب باشند نیش ایشان نافع تر از نوش اجانب بود تناصر  
و تعاضد میان اقارب طبیعی و خلقی است و باجانب و باعد می و کسی در کتب  
فقه آورده اند که غنی که در شهری ساکنست زکوة مال خویش بفقرائ همان  
شهر بدهد و شهری دیگر نفرستد مگر آنکه اقارب او دران شهر فقیر باشند که  
جهت ایشان بر شهری دیگر نتواند فرستاد ازین مسئله معلوم شد که اقارب را  
حق است که اجانب و اباعد را نیست در حدیث است لا یدخل الجنة قاطع  
رحم ۵ یعنی برنده رحم در بهشت در نیابد و در حدیثی دیگر آمده است لا یدخل  
الملائكة علی قومهم فیهم قاطع رحم (بحواله مصنف جوابر العلوم همایونی)  
در نیابد فرشتگان بر قومی که میان ایشان برنده صله رحم بود بدانکه حقوق  
اقارب از جمله حقوق والدین است زیرا که اقارب یا وسیله با پدر دارند یا با مادر  
آزردن ایشان لا محاله آزدن هر دو یا یکی از ایشان آزدن و آزار والدین از حقوق  
و اگر قریب پدر را بیند پدر یاد آرد/ و اگر قریب مادر را بیند مادر یاد آرد بیت:

ای سروزنو شادم در قدرت بفلان ماند      وای گل زتو خوشنودم تو بوی کسی داری  
قطیعت رحم صعب سری است علی الخصوص قطیعت اخوة و اخوات که  
قریب ترین اشخاص بابائی و امهات اند آزار مادر و پدر بسبب ایشان بیشتر و بیشتر  
باشد اگر برادر نیکست و حقوق برادر بجای آرد نعمتی جزیله دارد شکرانه  
بگزارد و اگر بدی معاینه کند عمل من قطفک بیت-

بدی را باحسان مکافات کن      که تا یاد ماند بدهر این سخن له  
حق سبحانه و تعالی همه را برعایت و حمایت اقارب و ذوی الارحام  
توفیق دهد و بادائی حقوق والدین و ذی القربی مخصوص گرداند بحرمة النبی  
وآله اجمعین-

#### تربیت اولاد احفاد:

بدان اصلح الله شانہ اولادک فی الدارین ۸هـ که چنانچه فرزند را در ترک رعایت  
مادر و پدر عقوق است فرزند را بنزد زمه مادر و پدر نیز حقوق است چون فرزند از  
رحم مادر بیرون آید مادر را باید که گرد آرد و چون کسی او را بشوید باید که در  
گوش او بانگ نماز بگوید و بجامه پاکش بپوشند و در تربیت او کوشند پدر را باید  
که نام نیکو تعیین کند و لقب خوب نهد و بر عطوفیت پدری در تعلیم و تادیب او  
کوشش نماید و بر اوضاع و اخلاق نیک بر آرد و به پرورش خوب پیوردد چون زبان  
دان در دبستانش آرد بمودب دانا و معلم صالح بسپارد تا او را اخلاق و اوضاع  
خوب بیاموزاند و احکام ایمان و دل او بنشانند و آیات قرآنی یاد دهد و ارکان  
احکام نماز تعلیم کند بیت-

چو خواهی که نامت بماند بجای      پسر را خرد مندی آموزورای  
خردمند پرهیزگارش بدار      گرش دوست داری نبازش مدار ۹هـ  
چون بهفت سالگی برسد نماز فرماید و چون ده ساله شود و نماز نگزارد ادب  
کردن او را شاید- در حدیث است مروا صبیانکم بالصلوة اذا بلغوا سبعا  
واضربوهم اذا بلغوا عشرا. له زین حکایت حاکی است و دل او را بتکلیفات مشاق  
نیازارد که طبع نازک او را در ملال آرد بحسن عادت بتربیت او لازم بیند و از

صحبت بد نگاشتن واجب داند پدر اگرچه دستگاه داشته باشد پسر را بغیر  
آموختن هنری نگذارد هنری آموزاند و آنرا در حوادث صیانت از اهانت سوال  
محترز داند مثنوی-

چه دانی که گردیدن روزگار  
بغریب بگرداندش در دیار  
چون بر پیشه باشدش دست رس  
چرا دست حاجت برد پیش کس  
قطعه

وقتی افتاد فتنه در شام  
هرکس از گوشه فراز رفتند  
روستا زادگان دانشمند  
بوزیری بادشاه رفتند  
پسران وزیر ناقص العقل  
بگدائی بروستان رفتند ۱۱هـ

دختر را جز تعلیم امور دین و دنیا و تربیت و تلقین آداب نشاید آنچه دست دهد  
کفویرا بنکاح بدو بسپارد و ناکح را بطلب دست پیمان بسیار نیاز دارد اما از زشت  
روی احتراز کند و از ناقص الاعضای تجنب نماید شاید که اگر دختر باو وفا کند  
رنج در تمام عمر تحمل کرده باشد و اگر وفا نکند داغ نشود بر جبین او شنید  
خوی بد یکایک در یافته نمیشود اگر نادانسته افتد معذور بود اما روی بلای  
زشت محسوس است- دانسته چرا اختیار کند و بچگان بیگانه که ده ساله  
باشند با دختران یکجا بودن نهد که ایشانرا بعد بلاغت صورت یکدیگر یاد آید-  
فرزندان را دعای نیک کند مادر و پدر در حق فرزند چون دعا پیغمبر علیه السلام  
باشد در حق امت و ببدخونی بچه ناخوش نباید شد که بچه بد خورا در بزرگی  
عقل کامل باشد فرزند کسی را بدی نخواهد که پیش فرزند او آید بیت-

مکن بد بفرزندم نگاه  
که فرزند خویشت بر آید تباه

وگفته اند که شومی عمل برادران یوسف فرزندان ایشان را در اسیری فرعون  
آورد شومی عمل ناشانیست ایشان در فرزندانشان سرایت کرد پدر باید که فرزند را  
کار دشوار نفرماید تا فرزند بمعاملت بد پیش نیاید تا آنکه اگر خواهد که کاری  
بفرماید بگوید این کار خوب است و این کار نیک است و نگوید که این کار بکن که  
شاید نکند حسن امتثال امر از وی برود موجب عقوبت وی گردد بجانب فرزند را

نعمتی جلیل داند نیکی فرزند دلیل بر نیکی پدر است او بسیار نعمتهای بزرگتر است حق تعالی فرزند همه را شائسته گرداند مقاصدیکه پدران میخواهند بران رساند.

بسیب ایشان بیشتر و بیشتر باشد اگر برادر نیکست و حقوق برادر بجای آرد نعمتی جزیره دارد شکرانه بگزارد و اگر بدی معاینه کند عمل ن قطفک بیت-

بدی را باحسان مکافات کن      که تا یاد ماند بدهراین سخن  
حق سبحانه و تعالی همه را برعایت و حمایت اقارب و ذوی الارحام توفیق دهد  
و بادای حقوق والدین و ذی القربی مخصوص گرداند بحرمة النبی و آله  
اجمعین-

- ۱ - بحواله مصنف جوابالعلوم همایونی از محمد فاضل سمرقندی متن صفحه ۵۲.
- ۲ - سورة يس آیت ۸۶
- ۳ - مسلم شریف حدیث ۹۷۹۱
- ۴ - البخاری ۶۸۹۵ راوی حضرت انس
- ۵ - سورة النساء ۶۳
- ۶ - رواه مسلم
- ۷ - گلستان سعدی
- ۸ - بحواله جوابالعلوم همایونی از محمد فاضل سمرقندی متن صفحه
- ۹ - گلستان سعدی
- ۱۰ - حدیث ابوداود جلد ۴ نمبر ۱۰۳
- ۱۱ - گلستان سعدی